

Spring and Summer 2025, 2 (3), 143-155.

Studying the position of the elites of the Shamlu tribe in the developments of the Safi era (1038-1052 AH)

Mahmoud Mehmannaavaz^{1✉}  | Mahya Rahimi² 

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of History, Yasuj University, YASUJ, IRAN. E-mail: mahmoud.mehmannaavaz@yahoo.com
2. Master's Degree in History of Islamic Iran, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Yasuj University, YASUJ, IRAN. E-mail: rahime@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research	The Shamlu tribe was one of the tribes that played an effective role in the establishment and continuation of the Safavid dynasty. Two elite members of the Shamlu tribe were the governor of Iran and Hassan Khan Shamlu during the reign of Shah Safi, Zeinal Khan Shamlu, and the governor of Khorasan. Due to the dominance of the tribal system in the Iranian governance system, these two people uprooted many of their fellow provincials in the Shamlu tribe. The research findings show that despite the weakening of the Qizilbash tribal system by Shah Abbas I (996-1038 AH), as soon as a group of tribes gained power, they began to create a network of their tribal loyalists in order to expand their power. This feature can be seen in a bold way during the period of Zeinal Khan Shamlu's rise to power and with a more gentle slope during the period of Hassan Khan Shamlu. The findings also show that whenever tribal elites abandoned tribal interests and prioritized national interests in their performance and actions, they were far more efficient and beneficial to the country. The research method in this article is descriptive-analytical and data collection was done through a library method.
Article history: Received: 31 January 2025 Accepted: 21 July 2025 Published online: 6 September 2025	
Keywords: Shamlu tribe, Safavid period, elites, Shah Safi, Zainal Khan, Hassan Khan.	
Cite this article: Mehmannaavaz, Mahmoud, Rahimi, Mahya, Second. (2025). Studying the position of the elites of the Shamlu tribe in the developments of the Safi era (1038-1052 AH). <i>New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran</i> , 2 (3), 143-155.	



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nriihs.2025.2071470.1063>

سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۳)، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ۱۴۳-۱۵۵.

بررسی جایگاه نخبگان ایل شاملو در تحولات عصر شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ق)

محمود مهمان نواز^۱ | محیا رحیمی^۲

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. رایانامه: mahmoud.mehmannavaz@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. رایانامه: rahime@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵	ایل شاملو از جمله ایلاتی بود که در تأسیس و تداوم سلسله صفویه نقش موثری داشت. دو نفر از نخبگان ایل شاملو در دوره حکمرانی شاه صفی زینل خان شاملو سپهسالار ایران و حسن خان شاملو حاکم خراسان بودند. این دو نفر به سبب تسلط نظام قبیله‌ای در سیستم حکومت‌داری ایران، بسیاری از هم ولایتی‌های خود در ایل شاملو را برکشیدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با وجود تضعیف نظام قبیله‌ای قزلباش توسط شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق)، به محض قدرت یافتن گروهی از ایلات، آن‌ها در راستای بسط قدرت خویش اقدام به ایجاد شبکه‌ای از وفاداران قبیله‌ای خود می‌کردند. این ویژگی را می‌توان در دوره قدرت‌یابی زینل خان شاملو به صورت پررنگ و در دوره حسن خان شاملو با شیب ملایم‌تری مشاهده نمود. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد هر زمان نخبگان ایلی منافع قبیله‌ای را رها کرده و منافع ملی را در عملکرد و اقدامات خود در اولویت قرار می‌دادند، به مراتب کارایی بیشتری داشته و برای کشور نیز سودمند بودند. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است.
کلیدواژه‌ها: ایل شاملو، دوره صفوی، شاه صفی، نخبگان، زینل خان، حسن خان.	

استناد: مهمان‌نواز، محمود، رحیمی، محیا (۱۴۰۴). بررسی جایگاه نخبگان ایل شاملو در تحولات عصر شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ق). پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال دوم، شماره ۲ (۳)، ۱۴۳-۱۵۵.



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

۱. مقدمه

حکومت صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ق) بر اساس پیوند دو پایه مهم یعنی رهبران صوفی و ایلات وفادار قزلباش تشکیل شد. نقش ایلات قزلباش در رقم زدن این قسمت از تاریخ ایران غیرقابل کتمان است. بنابر تأکید فاروق سومر، ترکان مرکز و جنوب آناتولی به نام قزلباش با اعتقادات شیعی از عناصر اولیه تشکیل دهنده دولت صفویه به شمار می‌رفتند (سومر، ۱۳۷۱: ۷). یکی از عوامل مهم وابستگی ترکان آناتولی به طریقت صفوی شیخ جنید بود. او به واسطه چهار سال زندگی در آناتولی و شمال سوریه موفق شد ۱۲ هزار نفر از مریدانش را دور خود جمع کند. ترکان آناتولی به دلیل آشنایی مختصر به اسلام، اعتقادات شیعی افراطی داشتند و شیخ جنید و جانشینانش را به چشم پیامبر یا مهدی موعود^(عج) یا حتی خدا می‌نگریستند و حاضر به هرگونه فداکاری برای آنان بودند. شیخ جنید با آگاهی از توان نظامی طریقت صفویه توانست در آغاز کار خود این جنبه از توانایی قزلباش‌ها را میان آن‌ها گسترش دهد؛ به گونه‌ای که این گروه به طور کامل سرسپرده شیوخ صفویه شدند و در نهایت عامل اصلی موفقیت شاه اسماعیل در تشکیل حکومت گردیدند. بعد از تشکیل حکومت صفوی، شاه اسماعیل که با حمایت همه جانبه قزلباشان پیروز شده بود، تمام مأموران عالی‌رتبه، مقام درباری، حکام ولایت و سرداران سپاه را از میان قزلباشان انتخاب کرد (لوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴: ۴۷۷). قزلباشان از ۷ طایفه مهم تشکیل می‌شدند و شاملوها یکی از طوایف هفتگانه قزلباش بودند که در زمره مریدان وفادار و پر نفوذ شیوخ صفوی قرار داشتند. آن‌ها عمدتاً در شام یعنی در حوالی حلب و طرسوس سکنی داشتند (تاریخ قزلباشان، ۱۳۶۱: ۸). شاملوها از تیره‌های مختلفی تشکیل می‌شدند از جمله: بیگدلی، اینانلو، عرب گیرلو، خدابنده لو، بیچرلو، عبدلولو، کرامتلو، آجرلو، نلقار (سومر، ۱۳۷۱: ۲۰۷-۲۱۴).

در زمان شیخ حیدر، تعداد کثیری از شاملوها مرید وی بودند؛ به گونه‌ای که حسین بیگ شاملو مقام خلیفه را کسب کرد و وظیفه تبلیغ طریقت صفوی و جمع‌آوری پول را برعهده داشت. حسین بیگ در زمینه نظامی مورد اعتماد حیدر بود و در جنگ با شراونشاه فرماندهی دست چپ سپاه صفوی را برعهده داشت (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۲۷). حسین بیگ شاملو طبق سنت قبایلی تاتارها از همان دوران کودکی شاه اسماعیل مقام للگی او را برعهده داشت. او با به قدرت رسیدن شاه اسماعیل در سال ۹۰۷ ق مقام امیرالامرای و نایب تام الاختیار شاه را که مقام مهمی بود به دست آورد (تاریخ قزلباشان، ۱۳۶۱: ۸). از دیگر شخصیت‌های مهم طایفه شاملو، دورمیش خان بود که در سال ۹۲۹ ق به سمت والی هرات تعیین گردید و لاله سام میرزا شد. شاه اسماعیل با دختر عبدی بیگ شاملو ازدواج کرد و همین مسئله وصلت با خاندان شاهی، یکی از دلایل اعتبار شاملوها بود (بازگیر، ۱۳۸۸: ۴۵). شاملوها بعد از کشته شدن حسین بیگ شاملو در سال ۹۴۰ ق اعتبار قبلی خود را از دست دادند (سومر، ۱۳۷۱: ۱۱۴). شاه عباس نیز همچون شاه طهماسب برای شاملوها اعتبار زیادی قائل بود؛ به نحوی که به هنگام مرگ شاه عباس هفت امیر شاملو بر مسند قدرت بودند که از میان آن‌ها یک نفر عنوان (خانی) و چهار نفر عنوان (سلطانی) داشتند. قسمت اعظم شاملوها در خراسان، ری و آذربایجان سکونت داشتند.

این پژوهش بر آن است تا با تکیه بر منابع تاریخی، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- بزرگان و نخبگان لیل شاملو در روند تحولات دوره شاه صفی چه نقشی ایفا نمودند؟
- رویکرد ایلی و قبیله‌ای تا چه اندازه بر اتخاذ تصمیم‌های نخبگان ایل شاملو موثر بوده است؟

- شاخص‌ترین چهره‌های ایل شاملو در این مقطع چه کسانی بودند؟

تاکنون پژوهشی مستقل درباره جایگاه نخبگان ایل شاملو در دوره شاه صفی به انجام نرسیده است. بازگیر (۱۳۸۸) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقش شاملوها در تأسیس و تداوم دولت صفویه؛ (از ابتدای تأسیس تا پایان حکومت شاه عباس اول ۹۰۶-۱۰۳۸ ق)» به نقش شاملوها تا پایان دوره شاه عباس پرداخته و دوره شاه صفی را توضیح نداده است. کرونکر (۱۳۸۹)، پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقش طایفه شاملو در تحولات سیاسی و نظامی دوره صفویه» به انجام رسانده است. محقق در این پایان‌نامه نشان می‌دهد شاملوها بر تحولات سیاسی - نظامی ایران در دوره صفویه تأثیر زیادی داشته‌اند و نقش و اهمیت طایفه شاملو نسبت به سایر طوایف قزلباش بیشتر بوده است. عنوان این پژوهش به گونه‌ای است که در برگزیده دوره شاه صفی نمی‌باشد. ثواب و بازگیر (۱۳۹۴)، مقاله‌ای با عنوان «نقش شاملوها در تأسیس و تداوم دولت صفویه (۹۸۴-۹۰۶ ق)» به انجام رسانده‌اند. مطالب این پژوهش همان‌گونه که از عنوان آن پیدا است مربوط به نقش شاملوها در دوره شاه اسماعیل اول و پسرش شاه طهماسب می‌باشد. مهمان‌نواز و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحلیلی رقابت گرجیان با ائتلاف ترکان و تاجیکان در دوره شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ق)»، به تعارض‌های میان نیروهای گرجی که توسط شاه صفی برکشیده شدند با ائتلافی از ترکان و تاجیکان پرداخته‌اند. در بخش‌هایی از این مقاله به تلاش‌های زینل خان شاملو جهت قبضه قدرت اشاره شده است، اما به طور کلی این پژوهش تمرکزی بر نقش شاملوها ندارد. محمدی و همکاران (۱۳۹۶) مقاله‌ای با عنوان «سبک شناسی و جلوه‌های غنایی غزلیات حسن خان شاملو» به رشته تحریر درآورده‌اند. تمرکز این پژوهش بر اشعار

حسن خان شاملو بوده و به تحلیل آثار ادبی این شخصیت پرداخته است. همچنین محمدی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل جایگاه فرهنگی - ادبی حسن خان شاملو بر پایه منابع نویافته (معرفی، نقد، بررسی، نسخه شناسی)»، به جایگاه فرهنگی و ادبی حسن خان توجه نشان داده‌اند. تمرکز این پژوهش بیشتر بر روی تحلیل اشعار حسن خان بوده است. بنابراین در این مقاله نویسندگان به دنبال مسئله‌ای جدید هستند.

۲. تحولات سیاسی دوره شاه صفی

حکومت صفوی پس از مرگ شاه عباس اول در سال ۱۰۳۸ ق به دلیل اصلاحات او دوره‌ای از آرامش را پشت سر گذاشت؛ اما از درون این ثبات، عوامل انحطاط کشور به سرعت در حال پیشروی بود. رکود اقتصادی و از بین رفتن امنیت اجتماعی به تدریج مشهود می‌شد. از جمله تغییراتی که در زمان شاه عباس مقدمه انحطاط دولت صفوی شد، کاهش قدرت قزلباش‌ها در ارکان اصلی حکومت بود. بدگمانی شاه نسبت به سرداران طوایف قزلباش و بیم او از کودتای این افراد به کمک پسران شاه موجب شد تا تربیت سیاسی و نظامی ولیعهد و دیگر شاهزادگان را از دست آن‌ها خارج نماید (فلسفی، ۱۳۵۳: ۵۱۳/۲). شاه عباس که در طول حیاتش بیشتر پسران خود از میان برده بود، وصیت کرد که نوه‌اش سام میرزا به جانشینی انتخاب شود. این شاهزاده پس از آنکه به قدرت رسید، دو بار تاجگذاری نمود و پس از تاجگذاری دوم با عنوان شاه صفی به قدرت رسید. شاه صفی که در حرمسرای سلطنتی پرورش یافته بود و تا پیش از تاج‌گذاری هیچ منصب سیاسی نداشت، از تجربه کافی برای اتخاذ تصمیمات درست و همچنین تسلط بر اوضاع دربار، برخوردار نبود. «پنج سال طول کشید تا شاه توانست اقتدار خود را بر درباریان ثابت کند. به این قصد به تصفیه بی‌رحمانه‌ای دست زد که همه رقیبان بالفعل و بالقوه‌اش را از

صحنه خارج کرد یا کشت یا کور کرد و به زندان انداخت» (متی، ۱۳۹۳: ۵۵).

در زمان پادشاهی شاه صفی، عده کثیری از رجال و سران مملکت که خدمات شایسته‌ای در زمان شاه فقید انجام داده بودند به قتل رسیدند. زینل خان شاملو، عیسی خان قورچی باشی، امام قلی خان حاکم فارس و پسرانش و اغورلوخان شاملو ایشک افاقی از جمله این افراد بودند. دوره شاه صفی اوج رقابت میان گرجی‌ها و جناح ائتلافی ترکان و تاجیکان بود. در این مقطع هنوز قزلباش‌ها و تاجیکان قدرت خود را از دست نداده بودند. آنان بعد از مرگ شاه عباس فرصتی پیدا کردند تا بتوانند مجدداً به قدرت برسند، اما گرجی‌ها به دلیل اینکه مادر شاه صفی، زنی صیغه‌ای از تبار گرجیان بود از حمایت شاه برخوردار بودند (مهمان نواز و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۷). شاه صفی بیشتر مقامات مهم و افسران عالی‌رتبه را از طبقه پست یا خواجهگان انتخاب می‌کرد. در عرصه خارجی، بغداد برای همیشه از قلمرو صفویان منفک گردید و قندهار توسط گورکانیان هند اشغال شد.

۳. جایگاه زینل خان شاملو در دوره شاه صفی

زینل خان شاملو از امیران قزلباش و از مشاهیر طایفه شاملو جزو فرماندهان بزرگ عصر شاه عباس و شاه صفی به شمار می‌رفت. زینل خان در سال ۱۰۱۲ ق به عنوان یکی از همراهان مهدقلی خان، سفیر اعزامی شاه عباس برای ملاقات با بوریس گودونف تزار روس و رودلف دوم امپراتور آلمان برگزیده شد. هدف از این مسافرت ارسال پیام شاه عباس و پیشنهاد اتحاد سیاسی و نظامی میان ایران و دولت‌های اروپایی علیه ترکان عثمانی بوده است (فلسفی، ۱۳۴۲: ۳۰۱-۳۰۲). زینل خان در سال ۱۰۱۵ ق حکومت ناحیه چورس واقع در غرب آذربایجان را برعهده داشت (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۶۶). در سال ۱۰۱۶ ق زمانی که شاه عباس از حضور ناگهانی ناوگان هلندی‌ها در خلیج فارس

باخبر شد، زینل خان را به جنوب ایران فرستاد تا با فرمانده ناوگان هلندی‌ها ملاقات و در خصوص اتحاد با یکدیگر علیه پرتغالی‌ها گفت‌وگو کند؛ ولی هلندی‌ها این پیشنهاد را قبول نکردند و زینل خان بدون نتیجه به نزد شاه عباس بازگشت (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۴: ۱۰۰). او در سال ۱۰۲۱-۱۰۲۰ ق به عنوان مهماندار از ولی محمدخان ازبک که به دلیل اختلاف با امام قلی خان ازبک از بخارا به دربار ایران پناهنده شده بود، پذیرایی و استقبال نمود (بیگدلی، ۱۳۷۲: ۸۷۱/۲-۸۷۵). اقدامات ذکر شده به مرور سبب ترقی جایگاه زینل خان در دستگاه حکومتی شاه عباس گردید.

در سال ۱۰۲۷ ق شاه عباس پس از باخبر شدن از تهاجم خلیل پاشا سردار عثمانی به آذربایجان بی درنگ سپاهی فراهم کرد و به منطقه فرستاد. شاه عباس فرماندهی جناح راست را به زینل خان و قسمت چپ را به امام قلی گرجی واگذار نمود. زینل خان که در رأس طوایف شاملو ایمانلو قرار داشت دلیرانه جنگید و توانست در فاصله کمی قوای عثمانی را شکست دهد (ترکمان، ۱۳۸۲: ۹۳۵/۲). برخی از منابع، منصب زینل خان را در فاصله سال‌های ۱۰۳۲-۱۰۳۴ ق توشمال باشی یا ناظر و بازرس مطبخ شاه و کلیه امور آشپزخانه یاد کرده اند (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۱۲۸-۱۲۹). شاه عباس در سال ۱۰۳۴ ق زینل خان را به سپهسالاری لشکر منصوب کرد. او در این سمت به فرمان شاه صفوی به بغداد حمله نمود و موفق شد پس از شکست عثمانی بغداد را فتح کند (ترکمان، ۱۳۸۲: ۹۹۷/۲-۱۰۵۰؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۰۹-۲۱۷). اگرچه فتح بغداد به درایت شاه عباس نسبت داده می‌شود؛ اما بی‌گمان شخصیت جاه طلبی همچون زینل خان در این موفقیت موثر بود.

شاه عباس به دلیل خدمات ارزنده زینل خان شاملو در سال ۱۰۳۷ ق او را به مقام ایشیک آفاقی باشی دیوان منصوب

نمود. ایشیک آقاسی باشی به معنی رئیس سران درگاه بود و دو وظیفه مهم برعهده داشت: در مجامع و مجالس عمومی سمت ریاست تشریفات داشت و از سوی دیگر سرپرست دربلمان و نگهبانان و آقاییان بود (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۸۸). شاه عباس در اواخر عمر خود، حکومت شهر ری را به زینل خان اهدا نمود (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۱۷). بعد از مرگ شاه عباس و جلوس شاه صفی بر تخت شاهی در سال ۱۰۳۸ق، زینل خان که از افراد نزدیک شاه صفی در هنگام تاج‌گذاری بود، موفق شد علاوه بر مقام سپهسالاری و ایشک آقاسی باشی دیوان به جهت آنکه «راتق و فاتق مهمات دولت و امور سلطنت بود» به سمت وکالت سلطنت منصوب گردد (اصفهان، ۱۳۶۸: ۴۷؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۲۱) و به او «قبای زربفت و منديل تمام زر چهاروزری تمام زر و بالاپوش اندرون سمور زربفت و عصای مرصع» اعطا گردید (تفرشی، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۵). زینل خان شاملو با حمایت زینب بیگم زن مقتدر دربار صفوی توانست طایفه شاملو را بر دربار مسلط کند. زینب بیگم عمه شاه عباس پیوندهای خویشاوندی با طایفه شاملو داشت. از جمله علی بیگ لاله او و همچنین علیقلی خان نامزد زینب بیگم از شاملوها بودند (بابایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۵-۴۴). چنین پیوندی سبب نزدیکی میان زینل خان و زینب بیگم شده بود. زینل خان، بسیاری از مناصب را میان این طایفه تقسیم نمود. شاه نظربیگ شاملو مقام جبادارباشی، اغورلوخان شاملو ایشیک آقاسی باشی دیوان، نقدی بیگ شاملو مقام داروغه فراشخانه و شاه علی بیگ شاملو به منصب قورچی گری ترکش رسید (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۴۰). چنین رفتاری از سوی زینل خان شاملو یک اقدام پرخطر بود. او از این طریق می‌توانست پایه‌های قدرت و نفوذش را در دربار مستحکم کند؛ اما از سویی دیگر سوءظن شاه جدید و البته رقبای درباری‌اش را به همراه داشت. نخستین اختلاف مهم میان زینل خان و گروه

های درباری بر سر بیگلربیگی بغداد- شاه آن را به صفی قلی خان گرجی واگذار کرده بود- نمایان شد. زینل خان فرصت را مغتنم شمرد و دشمنی خویش را با صفی قلی خان که در میان گرجی‌ها شهرت و اقتدار یافته بود، آشکار ساخت تا شاید بتواند او را از شکوه و جلال خویش در قلمرو عراق عرب ساقط نماید» (بهرام نژاد، ۱۳۹۱: ۳۰). شاه صفی که بنا نداشت چنین رقابت‌های پنهان و آشکاری سبب تضعیف جبهه خارجی صفویان در تقابل با عثمانی شود، دستور داد دختر صفی قلی خان گرجی به ازدواج پسر زینل خان درآید. این فرمان موقتاً رقابت میان زینل خان شاملو و برخی از نیروهای درباری را پایان داد.

شرایط جنگی در هر دوره‌ای می‌تواند سبب ترقی یا تنزل برخی از افراد گردد. جنگ میان صفویان و عثمانی در ابتدای حکومت شاه صفی، می‌توانست سبب ارتقای هر چه بیشتر زینل خان شاملو شود، اما تحریکات رقبای داخلی و جاه طلبی بیش از حد خودش این امکان را تضعیف نمود و سرانجام باعث قتل او به دستور شاه گردید. در سال ۱۰۳۹ق نیروهای عثمانی با ۳۰۰ هزار نفر به سرکردگی خسرو پاشا، مصطفی پاشا، عثمان پاشا و احمد پاشا وارد ولایت مریوان شدند و تا حوالی همدان را بدون جنگ و خونریزی تصرف نمودند. شاه صفی پس از رسیدن خبر، قشون و سپاه قزلباش را از اطراف طلبید. زینل خان شاملو که در آن زمان درگیر جنگ با عثمانی بر سر بغداد بود و در آستانه پیروزی قرار داشت، تصمیم گرفت با بخشی کوچکی از سپاه به جنگ عثمانی برود. با وجود آنکه او تصور می‌کرد در جنگ موفق خواهد شد؛ اما در این جنگ شکست خورد و بخشی از مناطق غربی کشور را از دست داد. در مورد علت شکست زینل خان چنین آمده است:

از غرور و بی‌باکی طریق حزم و دور اندیشی و احتیاط مرعی نداشته بی‌تابانه رفت و مع‌هذا در محلی نامناسب، طرح جنگ

انداخته؛ بی‌امر و اشاره اشرف اعلی و بی‌آنکه با سایر امرا و اعیان و دولت خواهان دودمان و ریش‌سفیدان کار دیده و مدبران تجربه کار... مشاوره نماید (ترکمان و مورخ، ۱۳۱۷: ۵۱).

این شکست سبب نفوذ هرچه بیشتر عثمانی در مرزهای ایران گردید. شاه تصمیم گرفت بی‌درنگ مقصر اصلی شکست بغداد را به قتل برساند. شاه صفی سپهسالار جدید لشکر به نام رستم خان گرجی را مأمور قتل زینل خان شاملو کرد. سرانجام زینل خان در منطقه‌ای به نام پرم‌لو به قتل رسید (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۰۷-۱۰۸؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۳۱-۲۳۰). شاه با کشتن او «خوانین و عظام و امرای عالی مقام و سایر مقربان و ملازمان عتبه دولت را از خواب غفلت و بی‌هوشی امتناهی حال شده و هرکس راه و رسم عبودیت خویش پیش نظر گرفتند تا به تقرب و اعتبار خود پشت گرم نکنند و خصوصیت اعتبار و اختصاص خود را سرمایه ستم و بد مستی نگردانند» (تفرشی، ۱۳۸۸: ۲۳۳). دو نکته در این مطلب وجود دارد: به نظر می‌رسد شاه صفی قصد داشته با این اقدامش از سایر بزرگان زهر چشم بگیرد تا کسی هوس خودسری به سرش خطور نکند، دوم آنکه شاه گویا حس کرده بود زینل خان به همراه شبکه همراهان خود قصد کودتا علیه شاه را داشتند (مهمان‌نواز، ۱۳۹۳: ۱۸۹).

شخصیت زینل خان به دلیل اقداماتش در زمان شاه صفی در راستای قبضه کامل قدرت، مورد انتقاد برخی مورخان صفوی بوده است؛ اما نباید از نظر دور داشت که او از توانایی و جسارت ویژه‌ای برخوردار بود؛ به گونه‌ای که در حکومت شایسته‌سالار شاه عباس به خوبی توانست مراتب ترقی خود را طی کند و به سپهسالاری لشکر ایران برسد. وسواس شاه عباس در سپردن مقام‌های رده بالای نظامی به افراد مورد وثوق و شایسته بر کسی پوشیده نیست. به یقین اغلب کسانی که در زمان شاه عباس چنین موقعیت‌هایی به دست آوردند از شایستگی زیادی برخوردار بودند. شاید بتوان مهم‌ترین اشتباه

زینل خان را نادیده گرفتن قدرت سنتی شاه دانست. سیستم استبدادی حاکم در ایران به شاهان قدرت نامحدودی داده بود و طبیعتاً کسانی که سعی در محدود کردن این قدرت یا نفوذ به آن را داشتند، به سخت‌ترین شکل ممکن مجازات می‌شدند. شاه صفی از آن دسته شاهان در ایران بود که کوچک‌ترین رحمی نسبت به اطرافیان خود نداشت.

۴. جایگاه حسن خان شاملو در حکومت شاه صفی

حسن خان از مشاهیر طایفه شاملو در حکومت صفوی بود. او یکی از موثرترین و مشهورترین فرد از تیره عبدلو طایفه شاملو بود. حسن خان پس از فوت پدرش، به فرمان شاه عباس در سال ۱۰۲۷ق به منصب بیگلربیگی و امیرالامرای هرات رسید (ترکمان، ۱۳۸۲: ۸۹۴/۳). وی تا پایان عمرش در سال ۱۰۵۰ق عهده دار این سمت بود. البته برخی تذکرها و منابع، تاریخ وفات حسن خان شاملو را غیر از ۱۰۵۰ق دانسته‌اند. همچنین گزارش‌های نادرستی در آتشکده، نتایج الافکار، ریاض‌العارفین، تذکره‌الخطاطین آمده است که دوران حکومت وی را در عهد شاه عباس دوم و شاه سلیمان ذکر کرده‌اند (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۴۰۴؛ محمدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۴). شاه صفی پس از آن، عباسقلی بیک فرزند او را به جای پدر منصوب کرد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۵۹).

حسن خان افزون بر حکومت، خوشنویس توانا و سخنوری چیره دست بود. او مربی و پشتیبان شاعران و هنرمندان بود و آن‌ها را عزیز و گرانقدر می‌دانست. در مورد شخصیت حسن خان در ذیل عالم آرای عباسی چنین بیان شده است:

حسن خان عبدلوی شاملو مشارالیه در اول جلوس همایون در عوض حسین خان والد خود بیگلربیگی دارالسلطنه هرات و امیرالامرای خراسان بود و در میان امرای عالی شان افسر امتیاز قابلیت و استعداد بر سرداشت و در قلمرو خط و اقلیم سخنوری رایت امتیاز و برتری می‌افراشت و ارباب استعداد به امید تربیت و عنایت خدمتش از اقطار دیار و بلاد روی عزیمت به دارالسلطنه

هرات می‌نهادند. موید این مقال آنکه میرزا فصیحی هروی که به امداد بخت بلند از راه رعایت و ملازمت وی به این پلایه ارجمند رسید (ترکمان، ۱۳۱۷: ۲۸۱).

بنابراین حسن خان شاملو هرات را به محفل و مجلس شاعران و فضلا و مجمع ادبی در نیمه اول قرن ۱۱ ق تبدیل کرد. او خود شعر می‌گفت و «حسن» یا «محرور» تخلص می‌کرد (نصر آبادی، ۱۳۱۷: ۲۹). نصرآبادی دیوان او را قریب به سه هزار بیت ذکر کرده است؛ اما والہ داغستانی تعداد ابیات وی را هزار بیت گفته است (والہ داغستانی، ۱۳۹۱: ۱/۶۲۴). حسن خان شاملو از استادان خط نستعلیق بود. او اقدامات عمرانی را نیز انجام داده است. تعمیر مسجد جامع هرات که قدمتش به دوره مغول می‌رسید، یکی از اقدامات او است (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۱۷۴). از دیگر آثار حکمرانی حسن خان در هرات، باغ مخصوص شاملو است که ولی قلی خان شاملو در قصص الخاقانی از آن نام می‌برد (شاملو، ۱۳۷۱: ۴۳۴).

۱-۴. نقش حسن خان شاملو در مناسبات با گورکانیان هند

پس از آنکه شاه عباس در سال ۱۰۳۱ ق موفق به فتح قندهار گردید، دربار هند در سال ۱۰۴۸ ق بار دیگر به فکر باز پس گرفتن این شهر افتاد. از آنجا که شاه صفی بر این مطلب واقف بود، لذا تلاش کرد با اعزام سفیران متعدد، دربار هند را از انجام این کار منصرف کند. او سفیری را سه بار به دربار شاه جهان فرستاد؛ اما تلاش‌های شاه موفقیتی در بر نداشت. امپراتور گورکانی از اختلاف موجود میان علی مردان خان، والی قندهار و میرزا تقی مازندرانی اعتمادالدوله نهایت استفاده را برد و با تطمیع علی مردان خان، به آسانی قندهار را تصرف کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۹۳۸). با وجود تسخیر شهر، حسن خان شاملو به دنبال حفظ روابط دوستانه با اشراف گورکانی بود، حتی زمانی که ارتباط بین اصفهان و دهلی به دنبال تصرف قندهار قطع شد. با این همه آشکار

است که حسن خان نمی‌توانسته بر خلاف دستور دربار اصفهان اقدامی انجام دهد (ریاض الاسلام، ۱۹۷۱م: ۱۷). حسن خان شاملو با وجود تقبیح اقدام علی مردان خان در سپردن قلعه قندهار به هندیان، به دنبال حل اختلاف ایران و هند براساس مناسبات دیپلماتیک بوده است. در نامه‌ای که حسن خان شاملو به یکی از امرای هند نوشته، این مطلب به وضوح دیده می‌شود:

از قدیم‌الایام میانه پادشاهان عظیم‌الشان طرفین واسطه اختتام معانی دقیقه صحبت ... به تخصیص در این ولا که علیمردان خان را واهمه طاری شده قدم از دایره نمک حلالی پیش‌نهاده باشد، به طریق اولی مرتبه اعتبار هابط و ساقط می‌نماید و لهذا مکنون ضمیر خلت نظیر آن که بساط انبساط مشهود و بنای ارتباط موید گشته از جانبین سعادت وساطت رفع غایله مغایرت که در خارج دایره آگاهی موجود بنا شده باشد نصیب شود (شاملو، ۱۳۵۰: ۸۸).

گورکانیان هند نوادگان تیمور بودند. آن‌ها تا پیش از روی کار آمدن صفویان، در نواحی آسیای مرکزی و شرق ایران حکومت داشتند. گورکانیان با شکستی که از ازبکان متحمل شدند، مجبور بودند حیات سیاسی خویش را در هندوستان پی بگیرند. ازبکان دشمن مشترک دو حکومت صفویان و گورکانیان هند بودند. زمانی که حسن خان شاملو در خراسان حکومت می‌کرد گورکانیان هند به بدخشان که در قلمرو حکومتی ازبکان بود حمله کردند. پس از این حمله، حسن خان شاملو در نامه‌ای به یکی از امرای هند چنین نگاشت:

مرقوم خامه مودت نگار فرموده بودند که بندگان والا مکان اعلی حضرت کیوان رفعت ... تخت گورکانی به داعیه ملک موروثی و گورخانه امداد عظام در این سال نیز به نفس نفیس نزهت آباد کابل حرکت فرموده پیش از ریاست نصرت قرین یکی ازلالی محیط سلطنت را به سر ولایات بدخشان و بلخ فرستاده در تسخیر حصون و قلاع آن ممالک ساعی جمیله به ظهور رسانند و هرگاه عزیمت مذکور قریب الوقوع باشد بنابر دوام روابط قدیمی فی مابین تخت آریان و فرمانروایان این دودمان والا مکان داعی

دوام دولت روز افزون با عساکر صاحب پرخاش قزلباش از خراسان حرکت نموده نوعی شود که صیت موافقت و موافقت منسوبان این دو درگاه والایه کماکان در اطراف و اکناف زمین منتشر و منبسط گشته (شاملو، ۱۳۵۰: ۷۷).

در واقع حسن خان به عنوان نماینده تام‌الاختیار صفویان در شرق ایران، این اطمینان را به گورکانیان داده بود که اگر آن‌ها قصد بازپس‌گیری ملک اجدادی خود را از ازبکان داشته باشند، از حملیت دربار صفویان برخوردار خواهند بود و حتی سبب خرسندی آن‌ها می‌گردد. به نظر می‌رسد حسن خان به نوعی درصدد ترغیب گورکانیان جهت حمله به قلمرو ازبکان بوده و قصد داشته به آن‌ها یادآوری نماید که دشمن اصلی گورکانیان، ازبکان می‌باشند و گورکانیان به جای چشم‌داشت به قلمرو صفویان (قندهار) باید توجه و سعی خویش را در دشمنی با ازبکان قرار دهند. چنین رویکردی از سوی حسن خان شاملو نشانه هوش سیاسی او بوده که قصد داشت جهت حفظ منافع ایران بدون ایجاد درگیری خاصی، ازبکان و گورکانیان را به جان هم بیندازد. حسن خان در خراسان تمام و کمال حافظ منافع ایران بود. او علاوه بر منافع سیاسی و نظامی در حفظ منافع اقتصادی کوشا بود. آدام اولناریوس سفرنامه نویسنده دوره شاه صفی مطلب جالبی در مورد نحوه رفتار حسن خان شاملو با سفیر هند آورده است. طبق ادعای این جهانگرد، فرستاده هند یک میرزا یا شاهزاده هندی بود که از اطراف پادشاه هند اعزام شده بود. سفیر مذکور در شکوه فراوان زندگی می‌کرد و سه سال تمام پس از بار یافتن به حضور شاه در اصفهان اقامت داشت و با شکوه و جلال از او پذیرایی کرده بودند. او قبل از حرکت به هندوستان چند رأس از بهترین اسب‌های ایرانی را خرید؛ زیرا در هندوستان اسب با این کیفیت یافت نمی‌شد. وی اسب‌ها را زودتر از خود به هند فرستاده بود. ایرانی‌ها که این موضوع را می‌دانستند به حاکم هرات حسن خان مخفیانه

اطلاع داده بودند که نباید اجازه دهد حتی یک رأس از اسب‌ها از آنجا عبور کند و چنین هم شد. در مرز خراسان حسن خان شاملو مانع خروج اسبان شد، سفیر هند با توجه به حقوق و امتیازات سفرا و نیز اجازه شاه که از خرید اسب جلوگیری نکرده بود، به حسن خان اعتراض و وی را تهدید کرده بود که مورد مواخذه شاه قرار خواهد گرفت؛ ولی حسن خان در پاسخ گفته بود که این کار تجارت است و ربطی به حقوق و امتیازات ویژه سفرای خارجی ندارد و این که شاه اجازه داده است تأثیری ندارد؛ زیرا در هرات شاه او است و باید مردم این سرزمین تحت فرمان او باشند و به همین جهت نمی‌تواند اجازه دهد از این محل وسائلی خارج شود که امکان دارد در آینده علیه کشور به کار رود. لذا توجهی به لطف شاه ندارد و فقط عطیه شاه را اجازه عبور می‌دهد. سفیر هند مجبور شد اسب‌های خریداری شده را دوباره بفروشند (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۱۸۴-۱۸۵). این رفتار حسن خان تداعی گفته شاردن سفرنامه‌نویس فرانسوی بود که نوشته است: «خان‌ها در ایران شبیه پادشاهان کوچکی هستند، زیرا ایالت ایشان مانند مملکت کامل اداره می‌شود، حتی دیوان محاسبات مانند درباره شاه مأمور مخصوص دارد» (شاردن ۱۳۴۵: ۱۷۵/۸). این رویداد علاوه بر استقلال خان در برابر حکومت‌های مرکزی، نشانگر تدبیر حسن خان شاملو برای حفاظت از مرزهای ایران به ویژه خراسان بوده است.

۴-۲. نقش حسن خان شاملو در جنگ با ازبکان

حکومت صفوی در زمان سه شاه بزرگ خود، شاه اسماعیل اول، شاه طهماسب و شاه عباس اول سه جنگ بزرگ و مهم با ازبکان انجام داد که هر سه جنگ با پیروزی قاطع صفویان به سرانجام رسید. در زمان سایر شاهان صفوی یا جنگی با ازبکان رخ نداد یا نبرد در حد نبردهای محلی بوده و حکام محلی سعی می‌کردند این درگیری‌ها را هدیریت نمایند. در زمان شاه عباس پس از شکست ازبکان در جنگ رباط پریان

دوره‌ای از آرامش در مرزهای شرقی ایران شکل گرفت. در زمان ندرمحمد خان ازبک والی بلخ، میان او و دولت صفوی به مدت ده سال روابط دوستانه برقرار شد، اما بعد از مرگ شاه عباس، ازبکان از این فرصت استفاده نمودند، تا به مرزهای خراسان حمله کنند. در جمادی‌الاول ۱۰۴۰ق عبدالعزیز پسر ندر محمدخان سپاهی از بخارا و بلخ مهیا کرد و به خراسان حمله کرد. آن‌ها در مرتبه اول قصد محاصره قلعه غوریان را داشتند. حسن خان شاملو با آگاهی از نیت آن‌ها، جمع کثیری از ازبکان را به قتل رساند. بنابراین سپاه ندرمحمدخان مجبور به بازگشت از مرزهای ایران شد. با این حال، ازبکان در بین راه به اعراب خفاجه حمله کردند و تعدادی از گاو، گوسفند و شترهای این ایل را به غارت بردند. شاه صفی با اطلاع از این واقعه، به حسن خان شاملو اخطار داد که «اگر من بعد ظاهر گردد که از ولایت خراسان بزغاله یا گوسفندی به رسم تاراج برده‌اند و ایشان مدافعه نیامده‌اند.... در باب تنبیه و آزار ایشان مدهانه و مساهله نخواهد نمود» (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۲۳). این تهدید شاه صفی نشان از جدیت وی در مقابله با نیروهای متجاوز ازبک داشت.

در پی حمله ازبکان در ۹ شوال ۱۰۴۰ق به شهر بادغیس، حسن خان شاملو بیگلربیگی هرات جمعی از قزلباشان را مقرر کرد تا چهارباغ که از آنجا تا شهر هرات هشت فرسخ بود، بروند. در چهارباغ میان لشکر شاملو و ازبک جنگی روی داد که با پیروزی حسن خان شاملو پایان پذیرفت. سپس حسن خان اسیران جنگ را به اصفهان نزد شاه صفی فرستاد (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۱۴؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۳۸). در کتاب خلاصه‌السير خوشحالی شاه صفی این گونه ابراز شد: «حضرت ظل‌الهی را از استماع این خبر انبساط در طبع شریف بهم رسیده» (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۱۴). به سبب آنکه شاه صفی تازه به قدرت رسیده بود و از

طرفی درگیر رقیبی قدرتمند یعنی عثمانی بود، این پیروزی برای وی اهمیت مضاعفی داشت.

در ۹ ذی‌القعدة سال ۱۰۴۱ق عبدالعزیز خان به همراهی جمعی از امرای ازبک از جمله یلنگتوش و سونج بهادر قوشچی‌باشی و حاجم بی به مرزهای ماروچاق تاختند. در پی استمداد حسن خان شاملو از شاه صفی او رستم بیگ سپهسالار و کلبعلی ایشیک آقاسی را به خراسان فرستاد (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۵؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۲۴۵). با مرگ عاشورخان چکنی حاکم مرو ازبکان فرصت را غنیمت شمردند و مرو را به محاصره گرفتند (ترکمان و مورخ، ۱۳۱۷: ۱۰۳). با محاصره این منطقه، وضعیت سپاهیان هرات نیز متزلزل گردید. حسن خان بیگلربیگی خراسان برای دفع حصر ماروچاق که حاکم آنجا حسین قلی خان پسر حسن خان بود از امرایی که از اصفهان برای دفاع از مرزهای خراسان به مرو آمده بودند یاری طلبید. بدین جهت سپاه اصفهان رفتن به قلعه مرو را به تعویق انداخت و به قلعه ماروچاق پیش رفت. رستم محمدخان پسر ندرمحمدخان ازبک که از سال ۱۰۲۰ق در نواحی خراسان به سر می‌برد، در این لشکرکشی به کمک حسن خان شاملو آمد. ازبکان با رسیدن امرای قزلباش تاب مقاومت نیاورده مجبور به فرار شدند. به دنبال مرگ عاشورخان و اسارت پسرش مرتضی قلی‌خان، نقدی بیگ شاملو به رتبه ایالت و خانی حکومت مرو منصوب شد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۴۶؛ اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۲۳). این انتصاب می‌توانست سبب بسط نفوذ شاملوها در خراسان شود. ازبکان مرتضی قلی‌خان قاجار حاکم پیشین آن دیار را آزاد کردند و شاه صفی به پاس خدمات‌اش مجدداً او را به حکومت مرو گماشت و نقدی بیگ را به حکومت کهگیلویه منصوب نمود (ترکمان و مورخ، ۱۳۱۷: ۱۰۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۴۶).

پس از دفع حملات ازبکان در سال‌های اولیه حکومت حسن‌خان در خراسان، او به مرور از حالت دفاعی خارج شد. آن گونه که برخی منابع گزارش داده‌اند، وی چند بار به قلمرو ازبکان حمله کرد. از جمله می‌توان به حملات فرزندش حسینقلی‌خان و گرفتن غنائم بسیار از ازبکان اشاره نمود (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۵۳). حسن‌خان تا زمان حیات خویش به خوبی از مرزهای شرقی ایران دفاع نمود و اجازه نداد تمامیت ارضی کشور در این منطقه به خطر بیفتد. این مسئله زمانی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که شاهد کوچک شدن جغرافیای ایران در مرزهای غربی و جنوب شرقی هستیم.

۵. نتیجه‌گیری

شاملوها در دوره حکمرانی صفویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شدند؛ اگرچه فراز و فرود این اهمیت وابسته به نوع سیاست‌های هر یک از شاهان صفوی بوده است. طایفه شاملو در دوره شاه صفی از انسجام ایلی جهت انجام یک حرکت منسجم برخوردار نبودند. این امر ناشی از سیاست‌های شاه عباس در کاهش قدرت ایلات قزلباش بوده است. بر همین اساس نقش شاملوها در دوره شاه صفی بیشتر به نقش نخبگان ایل محدود می‌شد. زینل‌خان و حسن‌خان دو نفر از افراد برجسته ایل شاملو بودند که در دوره شاه صفی صاحب قدرت شدند. مهم‌ترین تفاوت این دو نفر، در تداوم آن‌ها در رده‌های بالای حکومتی نمایان شده است. زینل‌خان با وجود منصب بالاتری که نسبت به حسن‌خان داشت خیلی زود توسط شاه صفی کشته شد؛ اما حسن‌خان موفق شد تا پایان حیات خویش مورد توجه شاه صفوی باشد.

زینل‌خان با ایجاد شبکه‌ای از افراد ایل شاملو و وابستگان آن‌ها، درصدد تصدی همه امور دربار بود. او در این مسیر به اعتبار اینکه شاه جدید جوان و کم تجربه است، قصد

سرکوب و دفع همه رقیبان درباری خود از جمله نیروهای گرجی را داشت. این جسارت و عدم دوراندیشی زینل‌خان سبب گردید تا دوره قدرت او کوتاه شود. شاه صفوی با کمک نیروهای گرجی زینل‌خان شاملو را از قدرت کنار زد. زینل‌خان از جمله افرادی بود که منافع شخصی و گروهی خویش را بر منافع ملی ترجیح می‌داد. او در جنگ‌های ایران و عثمانی حفظ و ترقی جایگاه خویش و گروه وابسته به خود را بر حفظ مرزهای ایران ترجیح داد. با وجود آنکه زینل‌خان شایستگی خویش را در زمان شاه عباس چندین بار اثبات کرده بود، اما در زمان شاه صفی بیشتر به فکر نفوذ در دربار و توسعه قدرت با کمک گروه‌های ذی‌نفوذ درباری بود.

حسن‌خان شاملو هرچند از اعتبار و قدرت زینل‌خان در دربار صفویان برخوردار نبود؛ اما توانست با اثبات وفاداری خود به شاه صفی به طور مستمر بر مناطق شرقی ایران حکومت کند. این تصور در مورد قزلباش‌ها وجود دارد که آن‌ها همواره عهده‌دار امور نظامی بودند؛ اما حسن‌خان علاوه بر نبوغ نظامی، فردی هنرمند و اهل ادب و شعر بود. چنین ویژگی سبب گردید که در زمان او خراسان به عنوان محفلی برای ادبا، شعرا و هنرمندان شناخته شود. به نظر می‌رسد اهل ادب و فرهنگ بودن حسن‌خان، او را در اتخاذ تصمیمات درست سیاسی کمک کرده است. با وجود اختلافاتی که دربار ایران و هند بر سر شهر مهم قندهار داشتند، اما شاهد تنظیم روابط ایران و هند توسط حسن‌خان شاملو هستیم. مهم‌ترین کارکرد حسن‌خان در این دوره، پاسداری از مرزهای شرقی ایران در مقابل تهاجمات و غارت‌های ازبکان بوده است.

کتابنامه

- اصفهانی، محمد معصوم بن خواجگی، خلاصه السیر، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی، ۱۳۶۸.

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، **تاریخ منتظم ناصری**، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۴.
- اولناریوس، آدام، **سفرنامه آدام اولناریوس**، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۳.
- بابایی، سوسن و دیگران، **غلامان خاصه نخبگان نوخاسته دوران صفوی**، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز، ۱۳۹۰.
- بازگیر، فروغ و جهانبخش ثواب، «نقش شاملوها در تأسیس و تداوم دولت صفویه (۹۰۶-۹۸۴ق)»، نشریه پژوهش‌های تاریخی، سال هفتم، ش ۱ (پیاپی ۲۵)، صص ۱۹-۴۸، ۱۳۹۴.
- بازگیر، فروغ، «نقش شاملوها در تأسیس و تداوم دولت صفویه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، ۱۳۸۸.
- بهرام‌نژاد، محسن، «تحلیلی بر یک فرمان از دوران شاه صفی و تکاپو های بی‌ثمر در حل اختلاف ترکان قزلباش و گرجیان، پیامدهای تاریخی»، نشریه گنجینه اسناد، ش ۸۸، صص ۲۲-۴۳، ۱۳۹۱.
- بیگدلی، غلامحسین، **تاریخ بیگدلی شاملو**، تهران: فتحی، ۱۳۷۲.
- تاریخ ایران: دوره صفویان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، مصدق، ۱۳۸۰.
- تاریخ قزلباشان، به اهتمام میرهاشم محدث، تهران: بهنام، ۱۳۶۱.
- ترکمان، اسکندربیگ، **تاریخ عالم آرای عباسی**، به کوشش ایرج افشار، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- ترکمان، اسکندربیگ و محمد یوسف مورخ، **ذیل تاریخ عالم آرای عباسی**، به تصحیح سهیلی خوانساری، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۱۷.
- تفرشی، میر محمد حسین، **تاریخ شاه صفی**، به کوشش محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۸.
- حسینی استرآبادی، سیدحسن بن مرتضی، **تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه صفی**، به اهتمام احسان اشراقی، تهران: علمی، ۱۳۶۶.
- رهبرن، کلاویس میشل، **نظام لیالات در دوره صفویه**، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- ریاض‌الاسلام، روابط ایران و هند در دوره صفویه و افشار، ترجمه محمداقرا آرم، تهران: امیرکبیر، ۱۹۷۱م.
- سلجوقی، فکری، خیابان، بی‌جا: انجمن جامی، ۱۳۴۳.
- سومر، فاروق، **نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی**، ترجمه احسان اشراقی و محمدتقی امامی، تهران: گستره، ۱۳۷۱.
- شاردن، ژان، **سفرنامه شاردن**، ترجمه محمد عباسی، ج ۸، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵.
- شاملو، حسن خان، **منشآت حسن خان شاملو**، کراچی: موسسه مطالعات آسیای مرکزی و غربی، ۱۳۵۰.
- شاملو، ولی قلی بن داوود، **قصص الخاقانی**، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
- عالم آرای شاه اسماعیل، تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- فلسفی، نصرالله، **چند مقاله تاریخی و ادبی**، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- فلسفی، نصرالله، **زندگانی شاه عباس اول**، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۳.
- کرونکر، ثریا، «نقش طایفه شاملو در تحولات سیاسی و نظامی دوره صفویه (۹۰۷-۱۰۳۸ق)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۹.
- گلچین معانی، احمد، «حسن خان شاملو»، مجله آینده، ش ۵-۸، صص ۴۰۱-۴۱۴، ۱۳۶۹.
- لوسکایا، پیگو و دیگران، **تاریخ ایران (از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی)**، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام، چاپ پنجم، ۱۳۶۳.
- متی، رودی، «دیپلماسی ایران در قبال عثمانی طی دوره سلطنت شاه اسماعیل اول (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق/۱۶۶۶-۱۶۹۴م)»، ترجمه حسن زندیه، نشریه تاریخ در آینه پژوهش، ش ۵، صص ۷۱-۱۱۲، ۱۳۸۳.
- متی، رودی، **ایران در بحران زوال صفویه و سقوط اصفهان**، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز، ۱۳۹۳.
- محمدی، مجتبی و مهدی نوریان و مهرداد چترایی، «تحلیل جایگاه فرهنگی- ادبی حسن خان شاملو بر پایه منابع نویافته (معرفی، نقد، بررسی، نسخه‌شناسی)»، نشریه متن‌شناسی ادب فارسی، ش ۲ (پیاپی ۳۸)، صفحه ۱۵۳-۱۶۷، ۱۳۹۷.
- محمدی، مجتبی و مهدی نوریان و مهرداد چترایی، «سبک‌شناسی و جلوه‌های غنایی غزلیات حسن خان شاملو»، نشریه مطالعات زبان و

ادبیات غنایی، دانشگاه آزاد، سال هفتم، ش ۲۵، صص ۵۳-۶۸، ۱۳۹۶.

- مستوفی، محمدمحسن، *زبده التواریخ*، به کوشش بهروز گودرزی، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی، ۱۳۷۵.

- مهمان‌نواز، محمود و اصغر فروغی ابری و علی اکبر کجباف، «بررسی تحلیلی رقابت گرجیان با ائتلاف ترکان و تاجیکان در دوره شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ق)»، نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۱۴، صص ۱۷۷-۱۹۸، ۱۳۹۳.

- مینورسکی، ولادیمیر، *سازمان اداری حکومت صفوی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.

- نصرآبادی، میرزا محمدطاهر، *تذکره نصرآبادی*، تصحیح وحید دستگردی، تهران: ارغوان و ابن‌سینا، ۱۳۱۷.

- نوایی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری فرد، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه*، تهران: سمت، ۱۳۹۱.

- واله داغستانی، علی‌قلی بن محمدعلی، *تذکره ریاضی الشعرا*، تصحیح ابولقاسم دادفر و گیتا اشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.

- وحید قزوینی، محمدطاهر بن حسین، *تاریخ جهان آرای عباسی*، تصحیح سعید میر محمد صادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.

- هرن، پاول، *تاریخ مختصر ایران از اول اسلام تا انقراض زندیان*، تعلیقات رضا زاده شفق، تهران: کمیسیون معارف، ۱۳۱۴.

- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم*، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۴.

